



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## اقتراح

عدالت در دادرسی؛ بنیان‌های نظری و ملاک‌های عملی

## عدالت در دادرسی؛

### بنیان‌های نظری و ملاک‌های عملی

امروزه، «دادرسی عادلانه» به‌ویژه در پرتو تحولات حقوق بشری اهمیت چشم‌گیری در سامانه حقوقی بین‌المللی و سامانه‌های حقوقی ملی پیدا کرده است. هرچند برخی از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده‌اند، این مفهوم به‌ویژه در بستر کنوانسیون و دیوان اروپایی حقوق بشر مورد واکاوی و بررسی دقیق‌تر و جدی‌تر قرار گرفته است و تحولات خود را بیش‌تر در آن بستر از سر می‌گذارند.

این مفهوم در سامانه حقوقی ایران به شکل نظام‌مند و انسجام‌یافته مورد توجه قرار نگرفته است و فقط شماری از مؤلفه‌های آن به طور پراکنده در شماری از قوانین و مقررات بازتاب یافته‌اند. هرچند در سال‌های اخیر این مفهوم در نوشتگان حقوقی — به‌ویژه در حوزه علوم جنائی — مورد توجه قرار گرفته، هنوز به‌گونه‌ای شایسته و بایسته نه به لحاظ نظری و نه به لحاظ عملی مورد واکاوی و سنجش‌گری دقیق قرار نگرفته و به‌ویژه نسبت آن با جامعه ایران و چگونگی تحقق آن در این جامعه سنجش و بررسی نشده است.

مجله حقوقی دادگستری کوشیده است تا با طرح چند پرسش مؤلفه‌های دادرسی عادلانه و نیز مانع‌ها، چالش‌ها و اولویتهای آن را در بافت جامعه ایران بکاود. امید است که این اقدام راه‌گشای مسیری برای پژوهش بیش‌تر در این حوزه باشد.

دکتر مؤذن‌زادگان — دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی — و دکتر وصالی‌محمود، دکتر ساکت و دکتر عابدیان — جملگی از قضات دیوان عالی کشور — بزرگوارانی‌اند که به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند که از ایشان سپاس‌گزاری می‌شود.

### ۱. مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دادرسی عادلانه کدام اند؟

دکتر مؤذن‌زادگان: مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده دادرسی عادلانه عبارت‌اند از: رعایت اصول حاکم بر دادرسی‌های حقوقی، کیفری و اداری در نظام قضائی و اداری از قبیل اصل برائت، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل استقلال دادگاه و قاضی، اصل بی‌طرفی قاضی، اصل علنی بودن دادرسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، اصل شخصی بودن مسؤلیت کیفری، اصل برابری سلاح‌ها (برابری امکانات دفاع و دعوا) و...؛

رعایت الزامات حقوق دادخواهی و دفاع در اثنای دادرسی از قبیل حق داشتن وکیل، حق آگاهی از ماهیت اتهام، حق ارائه شهود و دلایل، حق شکایت از آراء، حق اطلاع از مدارک و مستندات موجود در پرونده حقوقی، کیفری و اداری، حق مواجهه با شهود علیه خود و پرسش از آنها و... .

دکتر وصالی‌محمود: دادرسی فرایند مفصلی دارد که در این مسیر، اشخاص حقیقی و حقوقی متعددی نقش دارند. فقط مسؤلیت اساسی بر عهده دادرس قرار دارد. رفتار و عمل‌کرد هر یک از این اشخاص و نهادها در دادرسی عادلانه نقش مؤثری خواهد داشت. به طور مثال: نیروی انتظامی، طرف‌های پرونده اعم از اصیل یا وکیل، کارشناسان رسمی دادگستری، کارشناسان خیره، کارشناسان اداره‌ها و وزارت‌خانه، مانند اداره کار و امور اجتماعی، اداره تشخیص هویت پلیس بین‌الملل، پزشکی قانونی و غیره. اما، آنچه در انظار عموم بیش‌تر جلوه‌گر بوده، اقدام کارکنان دادگاه‌ها و شخص دادرس است و از دخالت عوامل غیرمستقیم آگاهی چندانی برای افراد غیر متخصص وجود ندارد.

علاوه بر موارد یادشده، وجود قوانین صریح و مناسب که به رسیدگی‌های متعدد منجر نشود، تأثیر ویژه‌ای در دادرسی دارد. دادرس فاضل و علاقه‌مند به مطالعه و آشنا با مسائل روز و مسلط بر قوانین و تفسیر آنها و متون فقهی و خارجی

اساسی‌ترین تأثیر را در جریان دادرسی ایجاد می‌نماید. زیرا، دادرس فقط مجری ظاهر قانون نیست، بلکه مجری عدالت بوده و قانون ابزار و وسیله عدالت است. از این‌رو، گفته اند: «طَرُقَ الحَکْمَ أَوْسَعُ مِنْ طَرُقِ اللّٰئِي يُحْفَظُ بِهَا القَانُونُ». چون قانون همیشه صراحت ندارد و این ابهام و نقص را دادرس باید با اطلاعات جامعی که دارد، برطرف نماید. همچنین، بی‌طرفی دادرس در تمام فرایند دادرسی اهمیت بسیاری دارد. چگونگی برخورد او و کارکنان دادگاه‌ها به طور کلی از شروع دادرسی تا پایان آن یعنی اجرای حکم مورد توجه دقیق طرف‌های دعواست. رفتار مناسب با آنان می‌تواند بیش‌ترین تأثیر را در کسب رضایت مراجعه‌کنندگان به عمل آورد (أَطْلِبُوا الحَوَاطِجَ عِنْدَ حَسَنِ الوَجْهِ). بسیاری از نارضایتی‌ها در رفتار با طرف‌های دعوا مطرح است.

میزان کار و پرونده‌های موجود در دادگاه از عوامل تأثیرگذار در این راستا خواهد بود. هرچه بر تعداد پرونده‌ها افزوده شود، از کیفیت کار کاسته خواهد شد که لطمه اساسی به اجرای عدالت وارد می‌کند. این موضوع در امور اجتماعی و اقتصادی ریشه دارد که نتیجه آنها در مراجع قضائی بروز پیدا می‌کند و دادگاه نباید به‌تنهایی مورد سؤال قرار گیرد.

حمایت مادی و معنوی از دادرسان و کارکنان که بتوانند با استقلال کامل به وظایف شرعی و قانونی خود عمل نمایند، نیز نباید از نظر دور بماند. بی‌نیازی در مسائل مادی و حمایت معنوی توانایی همه‌جانبه کارکنان قوه قضائیه را افزایش خواهد داد که اثر آن در صدور حکم عادلانه ظاهر می‌شود. به طور خلاصه، می‌توان گفت که عدالت امری نسبی است. زیرا، عوامل تأثیرگذار در عدالت بسیار اند. اما، وجدان قاضی هم بسیار با اهمیت است.

دکتر ساکت: پس از تهیه و تدوین قوانین مترقی و همه‌سونگر، پروراندن نیروی کارآمد، دانشور و عدالت‌محور و دل‌بسته به کار قضائی و دادرسی یکی از مؤلفه‌های

مهم و تعیین کننده برای دستیابی به دادرسی عادلانه است. به نظر می‌رسد که برای جامعه عمل پوشاندن به این آرمان و خواسته باید تغییری نیکو و کارشناسانه در سامانه قضائی ایجاد کرد. اگر بپذیریم که همگی کوشش‌ها و پویش‌های فرهیختگان جامعه برای روی کار آمدن دادرسی عادلانه است و دست کم در ایران، این آرمان و آرزو با برپایی انقلاب مشروطه شکفتن گرفت و انقلاب اسلامی نیز نویدگر چنین برداشت و چشم‌داشتِ گران‌سنگ و پیام‌آور سهمگین این اندیشه می‌نمود، به اهمیت دادرسی عادلانه و نقش آن در بهبود زندگانی اجتماعی و پیشرفت اقتصادی بیش‌تر پی خواهیم برد.

دکتر عابدیان: به طور خلاصه، مؤلفه‌های دادرسی عادلانه را باید «استقلال قاضی»، «سیستم دادرسی کارآمد» و نیروی انسانی متخصص و متعهد شاغل در بخش قضا دانست.

۱. استقلال قاضی: استقلال قوه قضائیه — به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصل تفکیک قوا و از ارکان مردم‌سالاری — علاوه بر استقلال نهادی قوه قضائیه، استقلال قاضی را نیز دربرمی‌گیرد. استقلال قاضی از بعد عملی نیازمند پیش‌بینی تضمین‌هایی در نظام حقوقی هر کشوری است. تضمین‌هایی از قبیل عدم امکان عزل و تغییر محل اشتغال قاضی جز به تمایل و رضای او و پیش‌بینی میزان حقوق مکفی برای قاضی از جمله شیوه‌های رسیدن به استقلال عملی قاضی است که اغلب در قوانین اساسی و عادی کشورها مورد تأکید قرار گرفته است. اگرچه استقلال نهادی قوه قضائیه<sup>۱</sup> در حد استقلال نسبی در تحقق دادرسی عادلانه سهم به‌سزایی دارد، آنچه به نحو مؤثر و عملی به دادرسی عادلانه منجر خواهد شد، استقلال قاضی است؛ به این معنا که، قاضی این امکان را داشته باشد که به

۱. بدیهی است که مراد استقلال مطلق قوه قضائیه نیست، زیرا، استقلال مطلق به لحاظ امکان تمرکز قدرت و تمهید بالقوه سوءاستفاده از آن خود ممکن است مانعی در مسیر تحقق دادرسی عادلانه قلمداد شود.

دور از هرگونه فشارهای درونی و بیرونی بالقوه و بالفعل به دادرسی پرداخته و به صدور رأی مبادرت نماید؛

۲. سیستم دادرسی کارآمد: مراد از سیستم دادرسی کارآمد نظام قضائی منسجمی است که نتایج عادلانه در دادرسی را از بُعد نوعی و شخصی تأمین و تضمین کند. توجه به این نکته ضروری است که عدالت در مفهوم شخصی آن نمی‌تواند هدف منحصر نظام دادرسی باشد، بلکه نظام دادرسی منجسم و منطقی باید با نیل به عدالت نوعی (عدالت جمعی)، مصالح نظام اجتماعی و نظم در روابط حقوقی مردم را نیز تأمین نماید. نظام دادگاه‌ها و تشکیلات دادگستری در یک نظام دادرسی تابعی از این مؤلفه مهم است که نظام حقوقی با توجه به هدف‌های بنیادین آن در چه صورتی و با چه سازوکارهایی می‌تواند بین عدالت در روابط شخصی مردم از یک سو و نظم و امنیت اجتماعی (در دید نوعی) از سوی دیگر جمع نماید. توجه به هر یک از این دو بُعد و غفلت از دیگری زیان‌های جبران‌ناپذیری را برای نظام قضائی داشته و مانعی در تحقق دادرسی عادلانه قلمداد خواهد شد. نظام دادرسی عادلانه از جهت طراحی شیوه‌های عادی و فوق‌العاده اعتراض به احکام تا جایی پیش می‌رود که با توجه به امکانات موجود، خود اطمینان نسبی (نه مطلق) از درستی آراء صادره و عادلانه بودن آنها به دست آورد. بدیهی است که نظام دادرسی در نقطه‌ای که اطمینان نسبی از درستی رأی به دست آمده، باید به رأی نهایی منتهی شود؛ هرچند این رأی در موارد نادری از دید فقط شخصی در رابطه حقوقی طرف‌ها عادلانه نباشد. پس از طی این شیوه‌ها و رسیدن به این اطمینان نسبی، عاقلانه نیست که به بهانه تصحیح یک رأی احتمالاً نادرست، شیوه‌های فوق‌العاده اعتراضی گشوده شده و امنیت قضائی در دید نوعی دستخوش تزلزل گردد. ناگفته پیداست که ایجاد خلل و تزلزل در نظم و امنیت قضائی با فراهم نمودن امکان اعتراض فوق‌العاده به آراء قطعی (پس از اطمینان نسبی از درستی رأی با طراحی نظام دادرسی کارآمد)

به بهانه تصحیح یک رأی احتمالاً نادرست خود عاملی برای ایجاد خلل جدی در رسیدن به عدالت، حتی در مفهوم شخصی آن، خواهد بود؛

۳. نیروی انسانی متخصص و متعهد شاغل در بخش قضا: بدیهی است که به فرض پیش‌بینی و تضمین استقلال قاضی و وجود سیستم دادرسی کارآمد، عدم وجود قضاات سالم، فاضل و دانشمند مانعی جدی در رسیدن به عدالت و هدف‌های مترتب بر دادرسی عادلانه خواهد بود. پیش‌بینی ترتیبی کارآمد برای جذب قضاات متخصص و متعهد، آموزش پیوسته قضاات، و استفاده از سازوکارهای کارآمد نظارت بر عمل کرد قضائی قاضی تحقق دادرسی عادلانه را امکان‌پذیر خواهد ساخت. از جمله لوازم این مؤلفه نیز ایجاد جاذبه در دستگاه قضائی برای جذب نخبه‌ترین حقوق‌دانان در دادگستری به منظور اشتغال در مشاغل قضائی است. همچنین، طراحی نظامی کارآمد برای انتخاب (یا انتصاب) قاضی، وجود نظامی مؤثر برای آموزش پیوسته قاضی، و ترتیبات مؤثر برای نظارت بر عمل کرد قضائی قاضی از ضروریات و لوازم مؤلفه سوم است.

## ۲. قانون‌گذاری ایران در حوزه دادرسی عادلانه چه کاستی‌هایی دارد؟

دکتر مؤمن‌زادگان: در قانون‌گذاری ایران برخی کاستی‌های موجود عبارت‌اند از:

- نقض اصل قانونی بودن دادرسی (تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق.ا.م.ا):

- نقض اصل برابری سلاح‌ها (مقایسه صدر ماده ۶۹ ق.ا.د.ا.ک. در مورد حق شاکی

خصوصی به داشتن وکیل به طور مطلق در تحقیقات مقدماتی و تبصره ماده ۱۲۸

همین قانون به جهت مشروط نمودن این حق برای متهم و همچنین حق شاکی

خصوصی برای گرفتن رونوشت از مدارک پرونده (ماده ۷۳ ق.ا.د.ا.ک.) و عدم

پیش‌بینی این حق برای متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی؛

- عدم تفکیک مرحله تعقیب از تحقیقات مقدماتی (ماده ۳ ق.ا.د. در خصوص واگذاری

تحقیقات مقدماتی بخش گسترده ای از جرائم به دادستان که مقام تعقیب است؛  
- اختیار صدور قرارهای بازداشت بی‌رویه گسترده به قضات (مواد ۳۲ و ۳۵ ق.ا.د.ا.ک)  
به‌ویژه بند «د» ماده ۳۵ که به قضات اجازه می‌دهد که به تشخیص خود و بدون  
ضابطه قابل کنترل، متهم را به این بهانه که آزادی او موجب فساد است، بازداشت  
نمایند؛

- نقض اصل قانونی بودن جرم و مجازات (ماده ۲۱۴ ق.ا.د.ا.ک)؛  
- ابهام در وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری نسبت به حقوق متهم از قبیل  
حق داشتن وکیل و بازجویی‌های پلیس.

دکتر وصالی محمود: ثبات قانون اهمیت خاصی در شناخت دادرسان و کارکنان و  
سایر حقوق دانان و اشخاص مرتبط با مراجع دارد. تأثیر این امر در سرعت دادرسی  
جدی است. زیرا، آشنایی با قانون جدید چه شکلی و چه ماهوی (بیش تر شکلی)  
نیازمند زمان زیادی است. اگر جامع نگریسته شود، تأثیر ثبات قانون در دادرسی‌ها  
محسوس خواهد بود. علاوه بر آن، قانون باید صراحت کافی داشته باشد تا برای فهم  
منظور قانون‌گذار زمان زیادی تلف نشود. گاهی، زمان شروع اجرای قانون یا شمول  
آن بر پرونده‌های گذشته آن چنان ابهام دارد که برای رفع آن، بحث و مشاوره زیادی  
باید انجام گیرد و گاهی هم به ایجاد بی‌نظمی و تضییع حق منجر می‌شود.

تصویب سریع‌تر برخی از قوانین نیز ضرورت دارد که وجود آنها مشکلات زیادی  
از مردم و مراجع قضائی را حل می‌کند؛ مانند قانون آئین دادرسی کیفری و قانون  
شوراهای حل اختلاف.

دکتر ساکت: باید گفت که در حوزه قانون‌گذاری به‌ویژه در چند دهه پیش کامیاب  
نبوده ایم. بسیاری از قوانین ما زائد اند و بر عهده کارشناسان زبده و کارآمد است  
که در چند نشست علمی-تخصصی قوانین دست و پاگیر را بازسناسی کنند و به  
دستگاه‌های مسؤؤل و مربوط اعلام دارند. ناگفته پیداست که چنین کاری سترگ



از روی شتاب و ناپختگی امکان‌پذیر نیست. متأسفانه، گذشته از آنکه مجموعه قانون‌گذاری هر روز که می‌گذرد از نخبگان و کارشناسان تهی‌تر می‌شود، دستگاه‌های دیگری هم که مستقیم یا نامستقیم مسؤول تهیه و تدوین لوایح‌اند، با کوشش‌هایی که انجام می‌دهند، کار چندانی از پیش نبرده‌اند. به نظر می‌رسد که سامان‌دهی بنیادین این امر اجتناب‌ناپذیر است.

دکتر عابدیان: نخست، از جهت استقلال قاضی، هرچند این استقلال اصولاً در نظام قضائی جمهوری اسلامی ایران به رسمیت شناخته شده، تضمین‌های مؤثرتری برای تأمین استقلال در بُعد قانون‌گذاری ضروری است. قسمت اخیر اصل یک‌صد و شصت و چهارم ق.ا. از این جهت محل توجه — و چه بسا در دید کلان، نیازمند بازنگری — است. نگرانی از عمل‌کرد سوء تعداد محدودی از قضات نباید توجیه‌گر مقررهای باشد که شائبه امکان ایجاد محدودیت در استقلال قاضی از آن قابل استفاده باشد.

دوم، از جهت سیستم دادرسی کارآمد، نظام دادرسی کشور برای رسیدن به کارآمدی راهی طولانی در پیش دارد. نخستین و مهم‌ترین اقدام طرح و حل موضوع‌های بنیادینی از قبیل تعدد قاضی، قضاوت زنان، اعتبار امر مختومه، قطعیت و نهایی شدن رأی است و سپس، باید سیستم جامع دادرسی با بهره‌گیری از آموزه‌های غنی فقه امامیه و استفاده از تجربه‌های دیگر کشورها طراحی شود. تصویب نهایی این نظام که متضمن اصول تشکیلات و سیستم دادرسی است، بر عهده قانون‌گذار است. اما، مرجع قانون‌گذاری باید به‌شدت از اعمال نظر و اصلاحاتی که ممکن است انسجام طرح را مخدوش سازد، بپرهیزد. تغییرهای مکرر مقطعی در نظام دادرسی در سه دهه اخیر همگی حاکی از فقدان طرح و ایده‌های منسجم، منطقی و علمی برای نظام قضائی کشور است. انحلال دادسرا در مقطعی با وضع قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و سپس احیاء دوباره آن با تصویب قانون

اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، ایجاد شعبه‌های تشخیص دیوان عالی کشور و وارد کردن دیوان عالی کشور به چرخه رسیدگی ماهوی و مقطعی و سپس انحلال آن با ماده واحده اصلاح ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اعلام قطعیت آراء و عدم امکان تجدیدنظر در رأی قاضی در مقطعی و سپس در عمل رسیدن به وضعیتی که در آن به سختی می‌توان به رأی نهایی رسید، همه مثال‌هایی اند که بر ضرورت اندیشه جامع نسبت به نظام دادرسی کشور تأکید می‌کنند.

سوم، از جهت نیروی انسانی شاغل در بخش قضا، اگرچه از جهات متعدد اقدام‌های چشم‌گیری صورت پذیرفته، ایجاد جاذبه در دستگاه قضائی به منظور جذب نخبگان باید در اولویت برنامه‌ریزی‌ها در سطح کلان قرار گیرد. منزلت اجتماعی قاضی در حدی که مورد توجه دین مبین اسلام و مورد عمل در بسیاری از کشورهای پیشرفته است، از رهگذر برنامه‌ریزی‌های اصولی باید ارتقاء یافته و حفظ شود و این مهم نیز تکالیف را برای قانون‌گذار ایجاد می‌نماید.

### ۳. چه موانعی (فرهنگی - اجتماعی، قانون‌گذاری و قضائی) را در مسیر تحقق

دادرسی عادلانه در ایران می‌توان یافت؟

دکتر مؤذن‌زادگان: با وجود اینکه اصول و قواعد عام حقوق اسلام از قبیل لزوم اجرای عدالت و احسان در کلیه شؤون اجتماعی، اصل قضاوت به حق و عدل، لزوم برابری بین طرف‌های دعوا در اقامه دعوا و دفاع، نگاه کردن، صحبت کردن و ... به روشنی امکان تحقق دادرسی عادلانه را محقق می‌سازد، برداشت‌های خاصی از حقوق اسلام در نظام تقنینی اثر گذاشته که این برداشت‌ها مانع از تحقق دادرسی عادلانه است.

دکتر وصالی‌محمود: بی‌تردید، کار دادگاه‌ها از جهت کمیت و کیفیت قابل قیاس با

کار هیچ اداره‌ای نیست. می‌توان این کارها را با سامان‌دهی مناسب مدیریت کرد. برخی از پرونده‌ها در اثر ناآگاهی بسیاری از مراجعه‌کنندگان از مسائل فرهنگی و اجتماعی تشکیل می‌شود. آموزش عمومی مردم و سامان دادن به امور اجتماعی و اقتصادی باعث تشکیل پرونده‌های کم‌تر می‌شود. اگر روش رانندگی در شهر آموزش داده و کنترل شود، پرونده‌های کم‌تری در این زمینه به وجود می‌آید.<sup>۲</sup> کنترل تورم نقض تعهدات کم‌تری را در پی خواهد داشت. شوراهای حل اختلاف بزرگ‌ترین نهادی است که می‌تواند به کمک دادگاه بیاید. اما، کارکنان آنها نیازمند آموزش و نظارت جدی است تا به مرور زمان اثر محسوس آنها در کاهش پرونده‌های دادگاه‌ها ملاحظه گردد.

آموزش دادرسان نیز ضروری به نظر می‌رسد. وانگهی، برای دادرسان باید فرصت کافی نیز ایجاد کرد تا از مطالعه غافل نباشند. مجله‌های متعدد و نشریه‌های دیگر که برای تهیه و چاپ آنها هزینه‌های فراوانی صرف می‌شود، به شرطی تأثیرگذار خواهند بود که فرصت مطالعه و همچنین علاقه به مطالعه آنها وجود داشته باشد. کسانی که باید این گونه نشریه‌ها و کتاب‌ها را مطالعه کنند، فرصت‌های محدودی دارند. کثرت مجله تأثیرگذار نیست. تا حد امکان باید مجله‌ها را از حیث مندرجات غنی‌تر تهیه نمود تا از وقت اندکی که وجود دارد، بیش‌ترین استفاده شود.

دکتر ساکت: بی‌گمان، دادرسی عادلانه نیازمند داشتن امکانات و ظرفیت‌هایی شایسته و بایسته است. بدبختانه، در دو سه دهه اخیر هر روز به بهانه‌ای و همگام با سلیقه و سائقه‌ای، بخشی از نظام دادرسی را تغییر داده ایم و در این باره نه به دیدگاه‌ها و تجربه‌ها و اندرزها و دلسوزی‌های دل‌بستگان و کارورزان توجهی کرده ایم و نه به آزمون و خطاهای دیگران (دیگر کشورها) گوشه چشمی انداخته ایم. نتیجه اینکه یک روز می‌شنویم دیگر کشورها باید بیایند فلان تأسیس یا روش را از تجربه‌های

۲. آمارهای تلفات انسانی جاده‌ها که از تلویزیون پخش می‌شود، بیانگر ضعف آموزش‌های اجتماعی است.

انباشته ما بیاموزند، اما هنوز چند سالی نگذشته، این تأسیس افتخارآفرین و موجب بالندگی فرو می‌باشیده و برچیده می‌شود. این گونه اظهارنظرها و تصمیم‌های شتابزده و ناهمگون از بی‌درنگی و زودباوری سرچشمه می‌گیرد. و البته، نظام دادرسی ما از این طریق آسیب‌های فراوان و زخم‌های کاری و کسنده‌ای برداشته است.

یکی از ابزارهای مؤثر و سرنوشت‌ساز گزینش و گمارش قضات نیک‌نفس، نژاده، دانش‌دوست، دل‌بسته به کار دادرسی، با شهامت و خداترس است. البته، برای گزیدن و گماردن چنین کسانی باید مایه بگذاریم. از سوی دیگر باید با فرهنگ‌سازی در همه سطح‌ها، مردم را با منش احترام به قانون و قاضی و رعایت حق و پذیرفتن آن آشنا کنیم. این کار باید از آموزش‌های نخستین در دبستان آغاز شده و تا دانشگاه دنبال شود. باید نقش دستگاه قضائی در تولید و پخش برنامه‌های آموزشی همگانی و رسانه‌ای برجسته‌تر شود. منظورم تبلیغات، که هیچ ارتباطی به ارتقاء سطح کمی و کیفی دادرسی ندارد، نیست. در این باره که آموزش چگونه و با چه ابزاری باید باشد، باید کندوکاو بیش‌تری کرد و شکیبایی بیش‌تری نشان داد.

دکتر عابدیان: از جهت، فرهنگی-اجتماعی، از جمله نکات قابل توجه ایجاد و ارتقاء فرهنگ استفاده از شیوه‌های جانشین حل اختلاف (داوری، میانجی‌گری و سازش) است که به نحو مؤثری می‌تواند جانشین رجوع به دادگستری شده و در تحقق هدف‌های دادرسی عادلانه کمک کند. البته، ایجاد و ارتقاء این فرهنگ نیز لوازمی دارد که از جمله، ایجاد بستر قانونی لازم برای استفاده از این شیوه‌ها و از بین بردن موانع در این راستا است. موانع قانون‌گذاری و قضائی نیز به طور عمده راجع است به مسائل مربوط به طراحی و تصویب سیستم دادرسی کارآمد.

#### ۴. چالش‌های پیش‌روی تحقق دادرسی عادلانه در ایران چیست؟

دکتر مؤذن‌زادگان: اصلاح قوانین دادرسی و هماهنگ‌سازی آموزش قضات و تقیید

نظام تقنینی و قضائی به التزام علمی و عملی به اصول دادرسی عادلانه و استفاده از دانش و تجربه استادان دانشگاه، وکیلان و قضات باتجربه مهم‌ترین چالش‌های پیش روی تحقق دادرسی عادلانه است.

دکتر وصالی محمود: در پاسخ‌های بالا به مواردی اشاره شد. باید بر نقش نیروی انسانی متخصص تکیه کرد. اگر چه امروزه ابزارهای الکترونیکی امور را تسهیل نموده اند و استفاده از آنها ضرورت دارد، در آموزش و افزایش تخصص دادرسان و کارمندان باید سرمایه‌گذاری و نظارت بیش‌تری انجام گیرد تا کارهای تکراری به حداقل برسد. بیش‌تر پرونده‌ها بارها و بارها در جریان امور اداری و قضائی سرگردان اند. این اشکال از همان عامل بالا ناشی می‌شود که وقت و سرمایه زیادی را به هدر می‌دهد.

آموزشی که کارآموز قضائی در دادگاه‌ها یا دفتر دادگاه‌ها باید ببیند، در جای دیگری امکان‌پذیر نیست. اشتغال دادرسان سبب شده است که این آموزش در دادگاه‌ها تضعیف شود و نظارت مؤثری هم انجام نگیرد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود که در این قسمت هیچ گونه کوتاهی انجام نگیرد. اگر کارآموز قضائی خوب تربیت نشود، تا پایان کار این اشکال باقی می‌ماند و در جریان کار قضائی به طور کامل جبران نمی‌شود و در نتیجه، زبان آن متوجه شخص دادرس و جامعه خواهد شد. ایجاد وحدت رویه بین دادرسان در صدور آراء با صلابت اهمیت خاصی دارد. به نظر می‌رسد که عدم نظارت کافی دیوان عالی کشور بر پرونده‌های کلان حقوقی این اشکال را در پی خواهد داشت که دادرسان دادگاه‌های پایین‌تر در این‌گونه پرونده‌ها آموزش کافی نداشته باشند. زیرا، در شرایط کنونی، بیش‌تر پرونده‌ها در حد دادگاه‌های تجدیدنظر استان به پایان می‌رسد و راهی به دیوان عالی کشور ندارد. دکتر ساکت: فرایند دادرسی عادلانه پیچیده است. یکی از چالش‌های راستین در این راه، تبعیض و یکسان‌نگری است؛ آسیبی که همیشه می‌تواند برای عدالت و

دستگاه دادآفرین دشواری پدید آورد. پیدا ست که کار سنگین و شکننده دادگری با جاروجنجال و تبلیغات نمی‌خواند. دادگستری باید قوی و نیرومند و بی‌غرض و همه‌سونگر و بنیادین رفتار کند. نگفته پیدا ست که در جامعه‌ای که کاستی‌های فرهنگی و اقتصادی-اجتماعی دندان نشان می‌دهد، این کار سخت و توان‌فرسا ست، ولی نشدنی نیست. و در این فضا، اگر دستگاه قضائی زیر تأثیر جو سیاسی روز قرار گیرد، چه انتظاری برای رسیدن به دادرسی عادلانه خواهیم داشت. اعتمادانگیزی یکی از بهترین راه‌کارهای رسیدن به دادرسی عادلانه است. گذشته از آن، داشتن نیروی خوب و آموزش دیده و پارسا و پاک‌اندیش و برکنار از دغدغه‌ها و نگرانی‌ها و دلواپسی‌های مادی و برخوردار از تراز و ارزش معنوی ابزار دیگری است که ما را برای دستیابی به دادرسی عادلانه یاری می‌رساند.

دکتر عابدیان: در صورت وجود عزم جدی برای اصلاح نظام قضائی کشور و استفاده از نیروهای مبتکر و طراح، چالش جدی برای تحقق دادرسی عادلانه وجود نخواهد داشت. البته، هم‌کاری و هم‌فکری قوای تقنینی و اجرائی نیز یک ضرورت در رسیدن به این مهم است.

۵. برای تحقق دادرسی عادلانه در ایران چه محورهایی در اولویت قرار دارند؟

دکتر مؤذن‌زادگان: محورهایی که اولویت دارند، عبارت اند از:

- تجمیم مرکز تحقیقات قوه قضائیه و مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات شورای نگهبان برای تهیه لوایح و جلوگیری از به هدر رفتن وقت نیروهای متخصص و نیز هماهنگی لازم در این زمینه؛

- تعیین تکلیف سریع لوایح ارائه شده قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی به‌ویژه لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان که مدت مدیدی است به مجلس ارائه

شده و تکلیف آن معلوم نیست؛

- استفاده مرکز واحد تحقیقات قوه قضائیه و مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات شورای نگهبان از تخصص صاحب‌نظران دانشگاه و حوزه‌های علمیه، وکیلان و قضات باتجربه؛

- توجه اکید نمایندگان مجلس در تقید به لوایح مبتنی بر اصول علمی که با هماهنگی مرکز تحقیقات قوه قضائیه، مرکز پژوهش‌های مجلس و مرکز تحقیقات شورای نگهبان با لحاظ دیدگاه‌های علمی صاحب‌نظران تهیه شده است؛

- افزایش سطح علمی و لزوم دارا بودن مدرک کارشناسی ارشد برای قضات.

دکتر وصالی محمود: اولویت‌ها عبارت‌اند از: انتخاب دادرسان از بین دارندگان مدارک تحصیلی کارشناسی ارشد حقوق و بالاتر یا در این حد از دانش‌آموختگان حوزوی انجام گیرد و به تدریج ارتقاء دانشکده علوم قضائی به همین حد و بالاتر برسد. تصویب سریع‌تر قوانین مورد نیاز قوه قضائیه، آموزش عمومی در استفاده از وکیل یا مشاوره قبلی از انجام معاملات و انعقاد قراردادها با حفظ حرمت طرف‌های دعوا، نظارت جدی بر آموزش کارآموزان قضائی به‌ویژه در دادگاه‌ها، و ادامه آن در جریان اشتغال که توجه به قسمت اخیر مشهود است. اصلاح مقررات مربوط به شوراهای حل اختلاف، نظارت اساسی و آموزش کارکنان این نهاد گسترده و با اهمیت تا به تدریج نهادینه شده و اثرات مفیدتر آن پدیدار شود.

دکتر ساکت: تثبیت نظام دادرسی، روی کار آمدن نیروهای پاکباز و دل‌سوخته و کارآمد و کاردان و به دور از وابستگی‌های گوناگون. ارزش‌گزاری به استقلال رأی و اندیشه و بها دادن به کسانی که برکنار از زهازه‌گویی و ستایش‌های بی‌جا و گزافه به کار خویش دل بسته‌اند و صمیمانه می‌کوشند و فراهم‌آوری دوره‌ها و امکانات آموزشی ژرف و روزآمد.

دکتر عابدیان: مهم‌ترین اولویت طراحی نظام قضائی کارآمد برای کشور است. تأخیر

و استفاده از چاره‌ها و مسکن‌های مقطعی کارساز نیست و فقط مشکل را به بخش دیگری منتقل می‌نماید و صورت دیگری به آن می‌دهد و روشن است که پس از گذشت مدتی، راه‌حل مقطعی دیگری برای حل آن مشکل ضرورت می‌یابد. نظام قضائی کشور باید به‌مثابه یک مجموعه کاملاً منسجم و به‌هم‌پیوسته و هدف‌دار نگریسته شود که بروز هر اشکال در جزئی از این مجموعه همه نظام را با مشکل روبه‌رو می‌سازد و بنا بر این، نسبت به کل مجموعه باید در اندیشه‌ی طرحی منسجم و کارآمد بود.







## مقاله

- بی طرفی در دادرسی کیفری
- اصل برابری سلاح‌ها در فرایند کیفری
- مفهوم و مبانی حقوق دفاعی متهم
- تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان
- حق سکوت
- الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه
- مفهوم مداخله و کیل مدافع در تحقیقات مقدماتی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی